



روابط ایران و چین، سیاست‌های واشنگتن علیه ایران را بی‌اثر کرده است

روابط ایران و چین مانعی برای تلاش‌های بین‌المللی برای انزوای ایران به منظور توقف برنامه هسته‌ای این کشور محسوب شده و سیاست‌های واشنگتن در قبال تهران را بی‌اثر کرده است.

روابط ایران و چین مانعی برای تلاش‌های بین‌المللی برای انزوای ایران به منظور توقف برنامه هسته‌ای این کشور محسوب شده و سیاست‌های واشنگتن در قبال تهران را بی‌اثر کرده است.

به گزارش خبرنگار دیپلماتی عمومی و جنگ نرم خبرگزاری فارس، اندیشکده "امریکن اینترپرایز" در این مقاله به قلم "مایکل مازا" در تحلیلی با عنوان "روابط ایران و چین: ارزیابی و پیچیدگی‌های آن برای سیاست آمریکا" عنوان کرد: چنین روابط صمیمانه‌ای مانعی برای تلاش‌های بین‌المللی برای انزوای ایران و فشار بر رهبران آن برای توقف برنامه هسته‌ای این کشور محسوب شده و سیاست‌های واشنگتن در قبال تهران را بی‌اثر کرده است.

در ادامه این تحلیل درباره ماهیت رابطه ایران و چین و معنای آن برای آمریکا توضیح می‌دهد: روابط ایران و چین چالش مهمی در تلاش‌های بین‌المللی برای انزوای ایران و فشار بر رهبران برای توقف برنامه هسته‌ای این کشور محسوب می‌شود. چین به توسعه روابط تنگاتنگ خود با جمهوری اسلامی که با دلیل برنامه هسته‌ای خود، نفوذ آن در عراق و افغانستان و روابط گرم این کشور با حماس و حزب الله که تهدیدی برای اسرائیل محسوب می‌شوند، ادامه داده است. چین همچنان به ایران اسلحه می‌فروشد، روابط اقتصادی گسترده خود را با این کشور حفظ کرده و از حکومت ایران در شورای امنیت سازمان ملل حمایت می‌کند. همه این اقدامات منجر به بی‌اثر کردن سیاست‌های واشنگتن در قبال ایران شده است. اگرچه حمایت چینی‌ها از حکومت ایران قطعاً حکام آمریکایی را نگران کرده است اما به روابط آمریکا و چین ضربه‌ای وارد نمی‌کند. چین تا حد امکان از ایران حمایت کرده و انتظار جبران آن را از سوی تهران ندارد.

* چین از ایران برای به چالش کشاندن سیاست‌های آمریکا در منطقه استفاده می‌کند

به نظر می‌رسد که چین، ایران را به عنوان یک حصار کارآمد در برابر سیاست‌های خصمانه آمریکا می‌بیند. چنین روابطی به هر دو طرف سود می‌رساند. ایران علاوه بر اهداف سیاسی و راهبردی در منطقه، دارای اقتصاد خوبی نیز هست. در عین حال، پکن می‌تواند از تهران برای گرفتار کردن آمریکا در باتلاق منطقه استفاده کند و توانایی خود را برای به چالش کشیدن سیاست آمریکا خارج از منطقه آسیا و اقیانوسیه نشان دهد. چین مایل نیست همپای آمریکا در مناطق مختلف وارد شود و به کمک ایران می‌تواند رهبری خود را اثبات کرده و نشان دهد که بدون به چالش کشیدن رهبران آمریکایی در آسیا و اقیانوسیه قدرت رقابت با آمریکا را دارد. روابط ایران و چین برای آمریکا مشکل‌آفرین است نه تنها به خاطر اینکه سیاست واشنگتن درباره ایران را به چالش می‌کشد بلکه به دلیل آنکه نتیجه نهایی چالش ایران تبعات گسترده‌تری برای رهبری و اعتبار آمریکا در جهان دارد.

* ایران و چین مشترکات بسیاری دارند

سابقه کهن روابط تاریخی ایران و چین مبنایی برای توسعه بیشتر روابط دو کشور محسوب می‌شود. هر دو کشور مهد دو تمدن جهانی بسیار کهن هستند: تمدن‌هایی که از زمان احداث جاده ابریشم در قرن دوم پیش از میلاد به صورت‌های مختلفی با یکدیگر در رابطه‌ای تنگاتنگ قرار داشته‌اند. آنها نه تنها دارای تاریخی مشترک هستند بلکه همچنین دارای این احساس مشترک هستند که از سوی غرب قربانی شده، مورد استهزا قرار گرفته و از سوی قدرت‌های بزرگ از صحنه سیاست‌های منطقه و جهان به کنار رانده شده‌اند. رهبران هر دو کشور همچنان در اظهارات خود از قربانی شدن توسط کشورهای غربی سخن می‌گویند و این نقطه اشتراک خوبی برای روابط بین ایرانی‌ها و چینی‌هاست.

* ایران و چین خواستار ایجاد جهانی چندقطبی هستند

چین و ایران هر دو از کشورهایی هستند که به نظم جهانی تحت سلطه آمریکا اعتراض دارند و تلاش دارند جهان چند قطبی ایجاد کنند که در آن از نفوذ آمریکا خبری نباشد. لی پنگ، نخست‌وزیر چین در دیدار خود از ایران در سال 1991 در این باره با رسانه‌های ایرانی صحبت کرد. وی گفت: "ما با تسلط آمریکا یا یک اقلیت بر جهان و با ایجاد نظم نوین جهانی از سوی آمریکا در روابط بین الملل مخالفیم و در این باره کاملاً با جمهوری اسلامی ایران همسو هستیم." "هو جینتاو، نخست‌وزیر کنونی چین در ژوئن سال 2009 بر این امر البته به صورتی نرم‌تر صحنه گذاشت و گفت: "تهران و پکن باید به یکدیگر در مدیریت تحولات جهانی به نفع ملت

هایشان کمک کنند، در غیر این صورت همان افرادی که مشکلات کنونی در جهان را به وجود آورده اند بار دیگر بر جهان حکومت خواهند کرد. " محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور ایران نیز در موارد مختلف به ایجاد "نظم جدید جهانی" اشاره کرده است. این هدف راهبردی مشترک به تسریع در تحکیم روابط تهران-پکن در سالهای اخیر کمک کرده است.

* اقتصاد چین به نفت ایران وابسته است

البته چین روابطی تنها بر پایه نگرانی ها و یا اهداف مشترک بنا نشده و منافع دو کشور را عملاً برآورده می کند. چین در سال 2009 بیش از 50 درصد از نفت مصرفی خود را وارد کرد. ایران به یکی از بزرگترین منابع تامین کننده این نفت وارداتی تبدیل شده و در سال 2009 حدود 11 درصد از واردات نفت چین از این کشور بوده است. صادرات نفت خام ایران به چین همچنان مسئله ای حیاتی محسوب می شود که اقتصاد چین به آن وابسته است.

آمریکا ممکن است به رابطه چین با حکومت ایران در مورد انرژی نگران باشد اما پکن اعلام کرده که گزینه دیگری پیش رو ندارد. سوزان شرک، دستیار سابق معاون وزیر خارجه آمریکا در امور شرق آسیا و اقیانوسیه می گوید: "چین به عنوان کشوری که دیر وارد بازارهای انرژی جهانی شده، این نکته را دریافته است که بیشتر منابع خوب نفت و گاز در کشورهای باثبات غیرقابل دسترس هستند زیرا پیش از این تحت مالکیت شرکت های ملی آن کشورهای تولیدکننده نفت یا با شرکت های نفتی غربی قرار گرفته اند. بنابراین چین مجبور است به سراغ کشورهایی مانند ایران و سودان برود که تحریم های آمریکا مانع از حضور شرکت های آمریکایی در آنها شده اند."

چین یکی از طرفداران قدرتمند این کشورهاست زیرا درباره امنیت انرژی خود بسیار نگران است. رهبران چینی با این نگرانی که توقف در تامین نفت این کشور به شدت به اقتصاد چین صدمه زده و منجر به ناآرامی های داخلی می شود، معتقدند که "کنترل فیزیکی بر نفت و گاز از طریق خرید سهام شرکت ها یا قراردادهای نفتی طولانی مدت با کشورهای تولیدکننده" به منظور "تضمین تامین انرژی" لازم است.

علاوه بر این، اگر چین و آمریکا درگیر مسائل مربوط به تایوان شوند، چین پیش بینی می کند که واشنگتن دسترسی پکن به منابع نفتی را محدود کند. روابط محکم با ایران این اطمینان را ایجاد می کند که تهران به طور داوطلبانه حاضر به قطع صادرات نفتی خود به چین نخواهد بود. همانطور که جان گارور می گوید: "تمایل یک قدرت نفتی بزرگ مانند ایران به ادامه تامین نفت برای چین در چنین شرایطی بسیار اهمیت دارد."

* فروش تسلیحاتی چین به ایران

چین از زمان جنگ ایران و عراق در سالهای 1980 تا 1988 به ایران اسلحه صادر می کرد. بر اساس تحقیقات کنگره آمریکا، چین طی آن مدت بیش از سه میلیارد دلار توافقنامه تسلیحاتی با ایران منعقد کرد. پس از پایان جنگ و کاهش صادرات تسلیحاتی چین به ایران، چین تجارتی بار دیگر در دهه 1990 رونق گرفت و چین محموله های تسلیحاتی به ارزش 400 میلیون دلار بین سالهای 1993 تا 1996 و 600 میلیون دلار بین سالهای 1997 تا 2000 به ایران صادر کرد. پکن علاوه بر تسلیحات کوچک، قطعات توپخانه ای، موشک های کروز ضدکشتی، موشک های زمین به هوا، هواپیماهای جنگنده، تانک، خودروهای زرهی و قایق های گشتی تندرو به ایران صادر کرد. بیتس گیل در سال 1998 نوشت: "غیر از پاکستان و کره شمالی، تجارت تسلیحاتی چین با ایران از نظر کمی و کیفی جامع تر و مداوم تر از هر کشور دیگری بود."

میزان صادرات اسلحه به ایران در دهه اخیر کاهش یافته است. بر اساس یک گزارش تحقیقاتی کنگره آمریکا، ارزش صادرات تسلیحاتی چین به ایران بین سالهای 2002 و 2005 حدود 100 میلیون دلار بوده است. این تسلیحات شامل تفنگ های کالیبر دوربین دار بزرگ، آر پی جی، تسلیحات ضدهوایی، مین و تجهیزات برای ساخت بمب های جاده ای می شود.